

A Review on language-cultural Exchanges in Iran & India in two Epoches

Azita Afrashi*

The present paper, which introduced in Iran-India second language-cultural relations association in Allah abad museum in 2005 , reviews a brief antecedent of language-cultural exchanges, with focusing on language aspects in Sasani and Safavie epoches.

* A Member of scientific society , Language & Dialect Institute, Iranian Cultural Heritage Organization

مروری بر مبادلات فرهنگی - زبانی ایران و هند در دو دوره تاریخی

آریتا افراشی^۱

چکیده

مقاله حاضر که در دومین مجمع روابط فرهنگی - زبانی ایران و هند در سال ۲۰۰۵ در موزه اله آباد هندوستان قرائت شد، پیشینه مجملی از مبادلات فرهنگی و زبانی ایران و هند را با تاکید بر جنبه‌های زبانی این گونه تعاملات در دوره ساسانی از یک سو و در دوره صفویه از سوی دیگر ارائه می کند.

۱- عضو هیئت علمی پژوهشکده زبان و گویش، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

۱- مقدمه :

مطالعه تاریخی آثار متعدد و برجسته پژوهشی و هنری در عرصه‌هایی چون مطالعات زبانی، به ویژه نحو و واژگان‌نگاری، مطالعات ادبی، مخصوصاً داستان‌نویسی، منطق، نجوم و طب و نیز سبک‌شناسی آثار بر جای مانده تاریخی مانند سنگ‌نوشته‌ها و سکه‌ها در جای جای تاریخ، پیوندی قدیمی میان ایران و هند را می‌نمایاند.

این دو دوره تاریخی (دوره ساسانی و صفویه) بدان سبب انتخاب شده‌اند که از یک سو افزایش ارتباطات میان دو ملت و انبوه شواهد تاریخی ناشی از همگویی‌های فرهنگی را نشان می‌دهند و از سوی دیگر به لحاظ تاریخی می‌توان به برخی شباهت‌ها میان این دو دوره قایل شد که از آن میان رواج دین رسمی و جغرافیای سیاسی مشخص، برای ایران قابل ذکر است. بر این اساس ابتدا گزارشی از مبادلات فرهنگی- زبانی میان ایران و هند در هر یک از دو دوره مورد اشاره، ارائه می‌شود؛ آنگاه انواع مبادلات در یک بررسی مقابله‌ای معرفی می‌گردد.

۲- مبادلات فرهنگی- زبانی ایران و هند در دوره ساسانی

نهر و در کتاب «کشف هندوستان» آورده است:

«در بین ملل و نژادهای متفاوتی که با هندوستان تماس داشته‌اند و در زندگی و فرهنگ هند نفوذ کرده‌اند، قدیمی‌ترین و ماندگارترین آنها ایرانیان‌اند». (حکمت؛ ۱۳۳۷).

شواهدی از نفوذ زبان فارسی در زبان‌های شمالی و جنوبی هندوستان نیز از تعامل اقوام هندی و ایرانی در این نواحی حکایت می‌کند. (همان: ۱). وجود گویش براهویی در بلوچستان و احتمال هم‌ریشگی آن با زبان‌های دراویدی جنوب هندوستان شواهدی از این مسئله به دست می‌دهد که احتمالاً برخی از اقوام هندی در این نواحی ساکنند که علی‌رغم مهاجرت آریایی‌ها از این محل، کماکان در محل مانده‌اند و متواری نشده‌اند (همان: ۵).

از حفاری های باستان‌شناختی در ایالت بیهار آثاری به دست آمده که به آثار یافت شده در دوره هخامنشی در ایران شباهت دارد (همان: ۶)؛ این مسئله بر تبادل فرهنگی - هنری میان این اقوام در آن دوره صحنه می‌گذارد.

در کتاب اوستا به کشور هند اشاره شده و در ریگ‌ودا از ایران یاد شده است. کوروش و پس از او داریوش نواحی شمال غربی هند [کابل و سند] را جزء ممالک خود بر شمرده‌اند و مورخین هندی این دوره را دوره زرتشتی نام نهاده‌اند. هرودوت از کشور هند یاد کرده و یادآور شده است خراجی که از هندوستان به خزانه داریوش می‌رسیده از سایر نواحی بیشتر بوده است؛ و فوجی از سپاهیان هندی در ارتش داریوش حضور داشته‌اند (همان: ۵)، حین وجود چنین زمینه استواری از برقراری روابط میان دو کشور، پس از حمله اسکندر به هند (۳۲۶ ق.م) رابطه فرهنگی ایران و هند، تحت تاثیر آمد و شدهای سربازان یونانی به ایران افزایش یافت. (همان: ۲).

شکل‌گیری سلسله‌های هندی - یونانی و هندی - پارتی در فاصله حکومت سلوکیه و پارتیان که سکه‌های فراوانی از آنها بر جای مانده، شاهد این مدعی است.

در دوره ساسانی، شمار زیادی کشتی ایرانی در مسیرهای تجاری بین ایران و هند در رفت و آمد بودند. بهرام پنجم (۴۲۱-۴۳۸ م.) بندر بنهور [Banbhore] در نزدیکی سند، در ۵۵ کیلومتری کراچی را به عنوان جهیزیه شاهزاده خانمی هندی به دست آورد؛ ولی اطلاعی از ارتباط تجاری بین ایران و گجرات در زمان ساسانیان در دست نیست. فقط از وجود دو مسیر اصلی در اقیانوس هند در حدود سده دوم هجری خبر داده شده است. این دو مسیر یکی از میان مجمع‌الجزایر بزرگ به سیلان و دیگری در امتداد سواحل هند عبور می‌کرده است. تانا [Thana] و کمبی در زمره بنادر مهم گجرات بودند و به احتمال زیاد وضعیت مشابهی در اواخر دوره ساسانی وجود داشته است. با این فرض می‌توان تصور کرد که پیش از سقوط شاهنشاهی ساسانی، مهاجرنشین‌های بازرگانی زرتشتیان در گجرات مستقر بوده‌اند. (چرتی؛ ۱۳۸۱: ۵۴-۷۴۲).

سنگتراشی‌ها و خانقاه‌های موجود در سرینگر، پایتخت کشمیر، نیز شواهدی از همبستگی‌های ایران با کشمیر در زمان ساسانیان را می‌نمایاند (نقوی؛ ۱۳۵۳).

کشف آثار مربوط به تاثیرات هنر ساسانی در هندوستان، تعاملات فرهنگی میان ایران و هند را تایید می‌کند. تحت تاثیر هنر ساسانی، سبک ویژه‌ای در هندوستان متداول شد که آن را هندی-ساسانی نام نهاده‌اند. سکه‌های مربوط به این دوره در سامبهار، ۶۰ کیلومتری جیبور یافت شده است. نفوذ این هنر در معابد برهمایی نیز نمایان است (ملک زاده؛ ۱۳۳۶، ۱۰۵-۱۱۴).

به اعتقاد گونتر، مستشرق انگلیسی، اوج ارتباط فرهنگ‌های ایران و هند در دوره گوپتا بود. در قرن سوم میلادی، ساسانیان تا قلب هندوستان پیش رفتند و حتی مالوده در هندوستان مرکزی را که بعدها یکی از مراکز قدرت گوپتا شد، اشغال کردند (آربری؛ -۱۳۸۰).

در زمان خسرو اول، انوشیروان (۵۳۱-۵۹۷ م.)، سند، پنجاب و حتی سرزمین‌های دامنه هیمالیا جزء قلمرو ساسانیان شد و ارتباط علمی-ادبی بین ایران و هند در این زمان افزایش یافت (احمد؛ ۱۳۶۷: ۲۶).

همزمان با نفوذ تمدن و فرهنگ ایران در هندوستان، از جانب هند نیز نفوذی در ایران اعمال می‌شد. از زمان سلطنت آشوکا، دین بودایی در آسیای مرکزی رسوخ کرد و بر هنر ساسانی تاثیر نهاد (امبری؛ ۱۳۷۴).

کتاب‌های منطق مشهور به تارکا [ساسنکریت tarka] از سانسکریت به پهلوی ترجمه شد. تاثیر دانش اخترشناسی هندی [ساسنکریت vyākaraṇa] بر اخترشناسی ایرانی نیز مشهود است. ایران در عهد باستان به شاهراه انتقال دانش هند و یونان تبدیل شد، اما نفوذ ادبیات و هنر هندی عمیق‌تر بود. بازی‌هایی نظیر شطرنج [ساسنکریت caturanga]، هشت پای [ساسنکریت haštpay] و تخته نرد [پهلوی nēw-qrdaxsēr] در ایران رایج شد. این بازی‌ها در زمان سلطنت خسرو اول به عنوان بخشی از آثار مشهوری هستند که در قرن ششم میلادی در ایران گسترش یافتند. (دریایی؛ ۱۳۸۳).

احتمالاً دو قرن قبل از میلاد، پاتنجالی [patanjali] بازی شطرنج را می‌شناخته است، ولی اولین اشارات به آن در حدود قرن ششم م. در متون پهلوی دیده می‌شود. در سه متن پهلوی به شطرنج اشاره شده است:

Karnamaḡi Ardaxšēri Pāpakān

الف) کارنامک اردشیر بابکان ،

Xusrau ud rēdug

(ب) خسرو ریذگ

Vizārišn ī čatrunj ud nihišn ī nēw-Ardaxšēr

(پ) گزارش شطرنج و وضع نرد

هرچند این سه منبع اطلاع دقیقی از تاریخ معرفی شطرنج در ایران به دست نمی‌دهند. در میان مفاهیم بنیادی و تکرار شونده در ادبیات فارسی، شطرنج جایگاهی بنیادی دارد. اغلب در متون ادبی به آن اشاره شده و تقریباً تمام شعرای صاحب نام، از شطرنج به عنوان استعاره تلاش، تقدیر و سرنوشت استفاده کرده‌اند. ثنایی، خیام، عطار، اوحدی، خاقانی، عنصری، سعدی و حافظ از آن جمله‌اند (Utas؛ ۱۹۹۲).

بزرگمهر پسر بوختک، وزیر خسرو در داستان‌ها و روایات ملی ایران نمونه یک وزیر فرزانه است؛ وی مولف کتاب گفتارهای آموزنده گنج شاهگان و قهرمان داستان شطرنج نامه *čatranganāmak* بود. در این کتاب آمده، *Devasarm* پادشاه هندوستان، مهره‌های شطرنج و هدایای نفیسی را برای خسرو فرستاد و از او خواست یا قواعد بازی شطرنج را آشکار سازد یا خراج سنگینی را به او بپردازد. بزرگمهر طی سه روز معما را حل کرد و به اصول بازی پی برد و بازی دیگری به نام *nēw-ardaxšēr* [= اردشیر شجاع؛ تخته نرد] ابداع کرد و با درخواستی مشابه راهی هندوستان شد.

Čaturangam به معنی ارتشی مرکب از چهار دسته است؛ این چهار دسته عبارتند از پیاده، سوار، عرابه و فیل (ریپکا، ۱۳۴۵).

اثر دیگر کتاب پنجه تتره [*pančatantra*] یا کرتکه و دمکه است که ترجمه آن را از سانسکریت به فارسی میانه به برزویه طبیب، پزشک دربار انوشیروان نسبت می‌دهند. این داستان‌ها از متن هندی دیگری به نام اندرزنیک [*Hitopadesa*] برگرفته شده است (دریایی؛ ۱۳۸۳). گذشته از آثاری چون مرزبان‌نامه و روضه العقول که به تقلید از کلیله و دمنه به فارسی نوشته شده، در بسیاری از آثار ادبی به ویژه در منظومه‌های عرفانی و اخلاقی، داستان‌های هندی غالباً از راه این کتاب و ترجمه‌های آن وارد شده است. بهترین نمونه این گونه اقتباسات را می‌توان در مثنوی جلال‌الدین بلخی یافت. از مجموع داستان‌هایی که در مثنوی آورده شده،

نزدیک به شصت داستان اصل هندی دارد که صورت اولیه آنها غالباً در کلیله و دمنه و برخی در کتاب‌هایی مانند سندبادنامه و بلوهر و بوداسف دیده می‌شود. (مجتبایی، ۱۳۷۰)

در دینکرد گزارشی آمده مبنی بر این که پادشاه شاپور اول فرمان داد که آثار یونانی و هندی ترجمه شوند. از آن جمله می‌توان به داستان هزار و یک شب اشاره کرد؛ شواهد نشان می‌دهد که این داستان در ایران از الگویی هندی پدید آمده و در قرن نهم هـ - ق به عربی برگردانده شده است. (ریپکا؛ ۱۳۵۴)

اثر دیگر طوطی نامه است که بر اساس šakseptati [= هفتاد داستان] تدوین شده؛ šakseptati در دوره ساسانی به پهلوی ترجمه شد و شمس‌الدین محمد دقایقی مروزی در حدود سال ۶۰۰ هـ ق آن را از پهلوی با نام بختیارنامه به فارسی برگرداند (صدیقی؛ ۱۳۷۲)

در حفاری‌های باستان‌شناختی شرق خراسان، قطعاتی از کتاب کاتنره در نحو و قواعد سانسکریت به دست آمد. وجود مراکز تبلیغات و تعلیمات بودایی در شهرهای بزرگ این نواحی حکایت از آن دارد که در اوایل دوره ساسانی طبقات درس خوانده و با فرهنگ ایران با مسائل و مقولات نحوی و زبان‌شناختی آشنا بودند و در تعلیم و تعلم زبان اوستایی و سانسکریت از آنها بهره می‌گرفتند (مجتبایی؛ ۱۳۸۳)

۳- مبادلات فرهنگی - زبانی ایران و هند در دوره صفویه

منابع تاریخی متفقاً شرایط پرآشوب ایران در زمان حمله مغول و جو پر تنش دوره صفویه را به مثابه دو مقطع تاریخی مهمی معرفی می‌کنند که در آن مهاجرت ایرانیان به هند صورت گرفته است (ارشاد؛ ۱۳۷۹ : ۱۶۶). مهاجران به هند اغلب از اقشار نیمه مرفه ایرانی بودند، به طوری که منابع تاریخی از اشرافیت مسلمان در هند یاد می‌کنند (همان؛ ۱۶۴). یاسین [A.M.Yasin] می‌نویسد، مهاجران به هند بیشتر افرادی جنگاور یا روشنفکر بودند و کمتر در

میان آنها افزارمند و کارگر پیدا می‌شد. این مهاجران همگی در شهرهای هند ساکن شدند و اغلب به دستگاه‌های دولتی راه پیدا کردند (۲۲: ۱۹۷۴؛ Yasin)

برخی کتب تاریخی از سیاست مستبدانه شاه عباس گفتگو می‌کند و مدعی‌اند در زمان سلطنت وی تعدادی از سیاستمداران، شاعران و اهل علم از ایران کوچ کردند (ارشاد؛ ۱۳۷۹: ۱۶۸). تصوف نیز عامل مهمی برای کوچ‌های متناوب ایرانیان به هند محسوب می‌شود؛ تارا چند خراسان را مرکز شکوفایی تصوف و محل مبادله اندیشه ایرانی و هندی می‌داند (تارا چند؛ ۱۳۴۳: ۳-۱۰) مهاجرت صوفیان خود به عامل گسترش زبان فارسی در هند مبدل شد (ارشاد؛ ۱۳۷۹: ۱۷۵)

پیوندهای بازرگانی ایران و هند نیز پیوندهای فرهنگی را تقویت کرد؛ گفته می‌شود در زمان صفویه دوازده هزار بازرگان هندی در اصفهان و بندر عباس مشغول تجارت بودند (۷۳-۱۷۱: ۱۹۷۰؛ Raizul)

در دوره صفویه تعداد بسیاری از اندیشمندان ایرانی که به تذکره نویسی شهرت داشتند به هندوستان رفتند؛ اهمیت این تذکره‌ها در آن است که اسامی شعرا و نویسندگان پارسی‌گوی در آنها فهرست شده است. برای نمونه می‌توان تذکره عرفات العاشفین نوشته تقی الدین اوحدی اشاره کرد؛ وی در ۱۰۱۵ هـ - ق به اصفهان مهاجرت کرد. (ارشاد؛ ۱۳۷۹: ۱۹۴). فرهنگ نویسی فارسی نیز نخست در هند متداول شد. نویسنده برهان قاطع، محمد حسین برهان از مهاجران ایرانی به هند بود. (همان: ۱۹۴)

در دوره سلطنت همایون و اکبر، هنرمندان و اندیشمندان بسیار مورد توجه دربار هند قرار گرفتند. دو نقاش ایرانی، سید علی و خواجه عبدالصمد آغازگر دوره جدیدی در نقاشی هند به شمار می‌آیند. (ریاض الاسلام؛ ۱۳۷۳: ۲۵۰).

معماران ایرانی نیز در هند آثار شکوهمند خلق کردند؛ سبک آنها در ساخت آرامگاه همایون و نیز در بنای تاج محل قابل رویت است. (همان: ۲۵۶)

مهاجرت تعدادی از شعرای صاحب‌نام ایرانی به هند موجب پیدایش سبک جدیدی در ادبیات شد که به سبک هندی مشهور است. این سبک در اثر نفوذ شعرایی چون عرفی، فیضی، فصیحی،

شوکت و بیدل به وجود آمد. در سبک هندی الفاظ و معانی اشعار چنان پیچیده است که به معما می ماند؛ اشعار و نوشته‌هایی که در قالب سبک هندی قابل طبقه‌بندی‌اند از مسائل عرفانی و فلسفی مملوند. (ریبکا؛ ۱۳۵۴).

بسیاری از داستان‌هایی که از منابع قدیم سانسکریت سرچشمه گرفته‌اند در همین دوره به وسیله اندیشمندان مهاجر یا شاعران پارسی‌گوی هند به فارسی ترجمه شده‌اند. داستان کامروپ و کاملتا، میکا و منوهر، نل و دمن از آن جمله‌اند. (صدیقی؛ ۱۳۷۲).

۴- جمع بندی مطالب

با توجه به پیشینه مجملی که در ارتباط با مبادلات فرهنگی - زبانی ایران و هند در دوره ساسانی و صفویه ارائه شد می‌توان این فعالیت‌ها را در انواع زیر مورد بررسی قرار داد:

الف) در نتیجه این گونه مبادلات فرهنگی - زبانی میان ایران و هند، کتاب‌های متعددی در حوزه‌های مختلف دانش از سانسکریت به پهلوی، هندی به فارسی و فارسی به هندی ترجمه شده است. به نظر می‌رسد بخش عظیمی از تأثیرات متقابل فرهنگی در این دو دوره در نتیجه ترجمه متون از حوزه‌های مختلف صورت پذیرفته است.

ب) ترجمه کتب درباره دستور زبان سانسکریت بر سنت مطالعات دستوری در ایران به طور کلی و هر گونه مطالعه بر دستور سانسکریت تأثیر نهاده است.

پ) مایه‌های داستانی هندی به عنوان طرح داستان در آثار مهم ادبی و فارسی به کار گرفته شدند. پس از آن از طریق ترجمه این متون نزد ادبای عرب احیا گردیدند.

ت) در دوره صفویه سبک ادبی نوینی به نام سبک هندی از سوی شعرا و نویسندگان ابداع شد که به لحاظ آرایه‌های صوری و محتوایی ویژگی‌های بارزی دارند.

ث) سبک هنری بدیعی در هندوستان تحت تأثیر هنر دوره ساسانی شکل گرفت که هنر هندی - ساسانی نام دارد و از آن دوره سکه‌هایی به جای مانده است.

ج) برخی از ابعاد فرهنگ و تفکر به وسیله رواج بازی‌هایی مانند شطرنج و تخته نرد از هند به ایران وارد شد. پس از آن مبانی فلسفی این گونه بازی‌ها در ادبیات و شکل‌گیری استعاره‌های ادبی بر اساس آنها فراگیر شد.

چ) سنت واژگان‌نگاری فارسی تحت تاثیر واژگان‌نگاری هندی به شیوه الفبایی شکل گرفت.

ح) تذکره‌نویسی از سوی ادبا و اندیشمندان ایرانی به زبان فارسی در دوره صفویه در هند رواج پیدا کرد.

منابع

- آبربی، ا.ج(-) *میراث/ایران*، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ارشاد، فرهنگ (۱۳۷۹) *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الاسلام، ریاض (۱۳۷۳) *تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه*، ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران، امیرکبیر.
- امیری، کیومرث (۱۳۷۴) *زبان و ادب فارسی در هند*، شورای گسترش زبان و ادب فارسی نخستین مجمع بین‌المللی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انوشه، حسن (۱۳۸۰) *دانشنامه ادب فارسی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چرتی، کارلو، جی (۱۳۸۱) *قصه زرتشتیان هندوستان و قصه سنجان*، یادداشت‌هایی بر تاریخ پارسیان، ترجمه نیلوفر باستی، در *سروش پیرمغان*، یادنامه جمشید سروشیان به کوشش کتابیون مزداپور، تهران، انتشارات ثریا، ۷۴۲-۷۵۴.
- چند، تارا (۱۳۴۳) *پیوندهای تمدن و فرهنگ هند و ایران*، ترجمه پرویز مهاجر در سخن، دوره ۱۵، شماره ۱، ۳-۱۰.

- حکمت، علی اصغر، (۱۳۳۷) *روابط هند قدیم و ایران باستان* در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۳، سال ۵.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳) *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس.
- ریپکا، یان (۱۳۵۴) *تاریخ ادبیات ایران*، تهران، بنیاد ترجمه و نشر کتاب.
- صدیقی، طاهره (۱۳۷۲) *مجموعه نخستین سخنرانی‌های سمینار پیوستگی‌های فرهنگی ایران و شبه قاره*، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی تهران.
- مجتبایی، فتح‌اله (۱۳۸۳) *نحو هندی و نحو عربی*، همانندی‌ها در تعریفات، اصطلاحات و طرح قواعد، تهران، نشر کارنامه.
- _____ (۱۳۷۰) *داستان‌های هندی در ادبیات فارسی*، در یکی قطره باران؛ جشن نامه استاد دکتر عباس زریاب جویی، به کوشش احمد تفضلی، تهران
- ملک زاده، فرخ (۱۳۳۶) *فرهنگ و هنر ساسانی در خارج از ایران*، در نشریه مرکزی دانشگاه تهران، سال ۳، شماره ۹، ۱۰۵-۱۱۴.
- نقوی، شه‌ریار (۱۳۵۳)، *نفوذ و تاثیر زبان فارسی در سانسکریت*، در سخنرانی و بحث درباره زبان فارسی، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر، جشن فرهنگ و هنر.

- Raizul.I.(1970)Indo Persian Relations,73-171.
- Utas, B. (1992) "Chess I", The History of chess in Persian, Encyclopdia Iranica, ed. E. Yarshater,vol V, 395.
- Yasin, M.A. (1074), A Social History of Islamic India New Delhi.